

همجنس گرایی، تربیت یا طبیعت؟ مروری بر زمینه‌های نظری Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

Seyed Jalil Jebeli
M. A., University of Tehran, Tehran, Iran.
sj.jebeli@ut.ac.ir

سید جلیل جبلی

کارشناس ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

Homosexuality refers to the emotional, sexual, and romantic attraction of a person to his or her same-sex. In some societies, this orientation is legal and natural. In some, it is a crime and disorder that can be related to the philosophical and etiological view of this orientation. It can effect laws, politics, and psychology in that society. This paper was down with using library studies and taking notes and reading documents and collecting scientific material in international journals about the etiology of homosexuality in Persian and English languages in 1970-2020. The findings show that genetic factors, brain anatomy, hormonal, environmental, educational, and psychological factors are involved in this tendency's etiology. Still, there is no agreement on them, and for every gay person, there seems to be a sole cause in etiology. The conclusion is that there are two general and conflicting views. The first view admits that this orientation is more natural. Therefore this natural orientation should not be prevented, and the second view admits that this orientation is more nurture. Still, even if it is natured, a person must control her or his sexual behavior. This means that the person has the power of authority to do or not to do this behavior. It is hoped that by recognizing these issues, useful, professional, and ethical psychological services will be provided to gay clients.

چکیده

همجنس گرایی به کشش جنسی، عاطفی و رمانتیک شخص به همجنس خود گفته می‌شود. در برخی جوامع این گرایش قانونی و طبیعی و در برخی جرم و اختلال تلقی می‌شود؛ که می‌تواند به دید فلسفی و سبب‌شناختی این گرایش مربوط باشد و بر قوانین، سیاست و روانشناسی آن جامعه تأثیرگذار باشد. این مقاله به روش پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای و یادداشت‌برداری و خواندن اسناد و جمع‌آوری مطالب علمی در مقالات بین‌المللی، در زمینه سبب‌شناسی همجنس گرایی و تربیتی یا سرشتی بودن آن در پایگاه‌های فارسی و انگلیسی‌زبان از سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ انجام گرفت. مرور یافته‌ها نشان داد که عوامل ژنتیکی، آناتومی مغز، هورمونی، محیطی، آموزشی و روانی بر سبب‌شناسی این گرایش دخیل هستند، اما توافقی بر سر آن‌ها وجود ندارد. چنانچه به نظر می‌رسد برای هر شخص همجنس‌گرا علت منحصر به فردی در سبب‌شناسی وجود دارد. دو دیدگاه کلی و متضاد وجود دارد. دیدگاه اول بیان می‌دارد که این گرایش بیشتر سرشتی است و لذا نباید جلوی گرایش طبیعی فرد را گرفت. دیدگاه دوم اذعان می‌دارد که این گرایش بیشتر تربیتی است اما اگر سرشتی نیز باشد، فرد باید رفتار جنسی خود را کنترل کند، به این معنا که فرد اختیار دارد که این رفتار را انجام دهد یا ندهد. امید است با شناخت این مباحث، خدمات روان‌شناختی مفید، حرفه‌ای و اخلاقی به مراجعان همجنس‌گرا ارائه شود.

Keywords: Homosexuality, Etiology, Nature, Nurture

واژه‌های کلیدی: همجنس‌گرایی، سبب‌شناسی، طبیعت، تربیت.

ویرایش نهایی: خرداد ۹۹

پذیرش: اردیبهشت ۹۹

دریافت: فروردین ۹۹

نوع مقاله: مروری

مقدمه

اصطلاح همجنس‌گرایی^۱ غالباً برای توصیف افرادی استفاده می‌شود که گرایش جنسی^۲ آنان به همجنس است. منظور از گرایش جنسی میزان کشش جنسی، عاطفی و عشق رمانتیک به شخص دیگر است که می‌تواند گرایش به همجنس، جنس مخالف و یا به هردو جنس باشد و یکی از متغیرهای بنیادی برای فهم رفتار جنسی بشر به شمار می‌رود (رحمان، ویلسون و آبراهام^۳، ۲۰۰۳؛ الف؛ انجمن روانشناسی آمریکا^۴، ۲۰۱۵). بسیاری ترجیح می‌دهند برای تعیین گرایش جنسی، به‌جای عبارت همجنس‌گرا که یک اصطلاح پزشکی است

¹ Homosexuality

² Sexual orientation

³ Rahman, Q., Wilson, G. D., & Abrahams

⁴ American Psychological Association

Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

و معانی پاتولوژی و سبب‌شناسی در بطن خود دارد از اصطلاحات لزبین^۱ برای زن همجنس‌گرا و گی^۲ برای مرد همجنس‌گرا استفاده کنند و رفتار جنسی را با اصطلاحاتی نظیر همجنس^۳ توصیف کنند. بنابراین همجنس‌گرایی طبق تعریف، از دو بخش تشکیل یافته است: یک جزء روانی که به معنای تمایل شهوانی، عاطفی و جنسی به اشخاص همجنس است و یک جزء رفتاری که به صورت عمل جنسی و آمیزش با اشخاص همجنس متبلور می‌شود (انجمن روانشناسی آمریکا، ۲۰۱۵؛ سادوک^۴، ۲۰۱۵).

در سال ۱۹۷۳ انجمن روان‌پزشکی آمریکا، همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک طبقه تشخیصی کنار گذاشت و در سال ۱۹۸۰ از راهنمای تشخیصی اختلالات روانی^۵ حذف شد. در دهمین تجدیدنظر طبقه‌بندی آماری و بین‌المللی بیماری‌ها و مشکلات بهداشتی وابسته^۶ آمده است: «گرایش جنسی به‌تنهایی یک اختلال محسوب نمی‌شود». این تغییر بازتاب‌تغییری است که در درک همجنس‌گرایی روی داده است، چراکه امروزه همجنس‌گرایی کم‌وبیش به‌طور مرتب به‌عنوان نوعی تمایل جنسی انسان روی می‌دهد و یک اختلال بیمارگونه نیست (سادوک، ۲۰۱۵). البته این دیدگاه مخالفان زیادی نیز از جمله اسپریج^۷ (۲۰۱۱ الف، ۲۰۱۱ ب) و نیکولوسی^۸ (۲۰۱۲)، دارد که با مدارک خود، این دیدگاه را به چالش می‌کشند.

آمار چالش‌های رفتاری-عاطفی و روانی در بین همجنس‌گرایان بسیار بالاست (لوپس^۹، ۲۰۰۹؛ مک‌درموت، هاگس و راولینگز^{۱۰}، ۲۰۱۸؛ هاس^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۰). انزوا از جامعه، ترس از جامعه، افسردگی، عزت‌نفس پایین، استرس و اضطراب و عدم شکل‌گیری هویت کامل، باعث می‌شود فرد همجنس‌گرا بیش از دیگران در معرض خطر خودکشی و گسست از خویشتن باشد (جیلی، ۱۳۹۷؛ تان، تی، نیوه و ونگ^{۱۲}، ۲۰۱۸؛ پرویس^{۱۳}، ۲۰۱۸)، حتی در برخی مواقع گسست از خویشتن باعث رفتارهای اسکیزوئید در فرد می‌شود (هالچین^{۱۴}، ۲۰۱۳). اما اینکه چه چیز باعث رخداد این حجم از مشکلات در این گروه شده است توافق چندانی بین دانشمندان این حوزه وجود ندارد و از عوامل درونی تا عوامل بیرون در چرخش است.

به‌طور کلی همجنس‌گرایی یکی از بحث‌های روز دنیا است که از علوم فلسفه، اخلاق و حقوق کیفری و مدنی گرفته تا علوم ژنتیک، روانشناسی و جامعه‌شناسی را درگیر خود کرده است. در حوزه پژوهش‌های روان‌شناختی درباره گرایش جنسی، چند مقوله کلی قابل بررسی است؛ پژوهش‌هایی که با تمرکز بر جنبه‌های ژنتیکی، به دنبال تبیین‌های تکاملی برای همجنس‌گرایی بوده‌اند (میلر^{۱۵}، ۲۰۰۰)، مطالعاتی که در پی مقایسه اقلیت‌های جنسی با سایر افراد برآمده و کوشیده‌اند تفاوت‌هایی را از نظر آناتومی مغز (لاسکو، جردن، ادگارد، پتیتو و بین^{۱۶}، ۲۰۰۱)، وقایع پیش تولدی (سانتیللا^{۱۷} و همکاران، ۲۰۰۹؛ بلانچارد^{۱۸}، ۲۰۰۴)، توانایی ذهنی و شناختی (رول و آمبادی^{۱۹}، ۲۰۰۸؛ ون آندرز و هامپسون^{۲۰}، ۲۰۰۵)، تیپ بدنی (ویلیامز^{۲۱} و همکاران، ۲۰۰۰؛ لپیا^{۲۲}، ۲۰۰۳) و سن بلوغ یا قد و وزن و اندازه عضو جنسی (بوگارت^{۲۳}، ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹)، بین این افراد و دگرجنس‌گرایان^{۲۴} بیابند. سوم، مطالعاتی که با تمرکز بر نقش خانواده و محیط کودکی

¹ lesbian

² Gay

³ Same sex

⁴ Sadock

⁵ Diagnostic and statistical manual of mental disorders

⁶ International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems

⁷ Sprigg

⁸ Nicolosi

⁹ Lewis

¹⁰ McDermott, Hughes & Rawlings

¹¹ Haas

¹² Tan, Tay, Neoh, Wong

¹³ Purvis

¹⁴ Halgin

¹⁵ Miller

¹⁶ Lasco, Jordan, Edgar, Petite & Byne

¹⁷ Santtila

¹⁸ Blanchard

¹⁹ Rule & Ambady

²⁰ Van Auders & Hampson

²¹ Williams

²² Lippa

²³ Bogaert

²⁴ Heterosexual

فرد، سعی در ارائه تبیین رشدی- عاطفی برای همجنس‌گرایی داشته‌اند. مطالعات روان‌پویشی را نیز می‌توان در زمره این گروه قرارداد (فریدمن^۱، ۲۰۰۲). در نهایت نیز می‌توان به مطالعاتی اشاره کرد که با اتخاذ موضعی یکپارچه‌نگر، آمادگی ژنتیکی را در تعامل با محیط خانوادگی و تفاوت‌های شناختی و مزاجی فرد، در شکل‌گیری همجنس‌گرایی دخیل دانسته‌اند (بم^۲، ۱۹۹۶).

یکی از موضوع‌های مهم این زمینه بحث در مورد سبب‌شناسی؛ طبیعی (انتسابی، سرشتی) یا تربیتی (اکتسابی، یادگیری) بودن این مسئله است. در مورد اینکه چرا گرایش جنسی برخی اشخاص متوجه همجنس‌شان است نظریه‌های متنوعی وجود دارد. البته برخی دانشمندان معتقدند که همان‌طوری که در جستجوی دلیلی برای دگرجنس‌گرایی نیستیم لذا نباید در جستجوی دلیلی برای همجنس‌گرایی نیز بود. اما برخی دانشمندان دیگر نیز اعتقاد دارند که هر دو این گرایش جنسی باید بررسی و تحلیل شود (اتکینسون، اسمیث، بم و هوکسما^۳، ۱۳۸۲). در این خصوص سال‌هاست بحث در مورد سبب‌شناسی همجنس‌گرایی و تربیتی یا سرشتی بودن آن بین دانشمندان علم بیولوژیک، روانشناسی، پژوهشگران دینی، محققان علم اخلاق، حقوق‌دان‌ها و سایر دانشمندان از بحث‌های داغ و به‌روز در حیطه‌های مختلف علمی است و تا به حال کمتر توافقی بر سر آن بوده است.

مشخص است که برخی جوامع این نوع گرایش جنسی را طبیعی می‌شمارند و آن را حقی برای فرد می‌دانند که با همین سبک، زندگی کند (انجمن روانشناسی آمریکا، ۲۰۱۵) و برخی از جوامع این نوع سبک زندگی را غیرطبیعی، گناه، جرم و اختلال می‌دانند (اسپرینج، ۲۰۱۱ الف، سروانی زنجانی و رفیع نژاد، ۱۳۹۶). بسیاری از قوانین کیفری که در دنیا وجود دارد برگرفته از نوع ارادی یا غیرارادی بودن آن فعل است که یک فرد آن را با اختیار انجام داده است و در حوزه اختیاری وی بوده یا آن را غیرارادی انجام داده است. چنان‌که در بسیاری از کشورها حتی قتل‌هایی که غیرارادی انجام شود نیز به دلیل اینکه در حوزه اختیارات شخص قاتل نبوده برای قاتل حکم مجازات قتل صادر نمی‌کنند. در حیطه حوزه علم روانشناسی هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی باشد به‌نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، مسئولیت کیفری ندارد (جهانگیر، ۱۳۹۸؛ هالچین، ۲۰۱۳؛ میرمحمدی صادقی، ۱۳۹۸). در خصوص این نوع گرایش جنسی نیز وضع به همین منوال است. به نظر می‌رسد آن دسته از جوامعی که این نوع گرایش و رفتار با این سبک را جرم و اختلال تلقی می‌کنند آن را در حوزه افعال ارادی شخص می‌دانند و اذعان می‌دارند که شخص با این گرایش به دنیا نمی‌آید. حتی اگر روزی ثابت شود که شخص با این گرایش به دنیا می‌آید بازهم دلیل نمی‌شود که این رفتار را داشته باشد چراکه در حوزه رفتار جنسی، اختیار فرد شرط اول است و می‌تواند جلوی این رفتار را ولو دشوار بگیرد (نیکولوسی، ۲۰۱۲؛ اسپرینج، ۲۰۱۱ الف و ب، ۲۰۱۱). اما برخی جوامع دیگر اعتقاد دارند از آنجایی که این گرایش در حوزه انتخاب فرد نبوده، اسباب و عللی خارج از اختیار فرد در پیدایش آن دخیل بوده و فرد با این گرایش به دنیا آمده است؛ لذا حق دارد که این نوع سبک زندگی را داشته باشد و افراد دیگر حق ندارند که حقوق این افراد را زیر پا بگذارند (انجمن روانشناسی آمریکا، ۲۰۱۵).

با این‌وجود به نظر می‌رسد توافقی بین دانشمندان حوزه بیولوژیکی و اخلاقی و محیطی وجود ندارد و هر گروه آرای خود را مطرح می‌کنند. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است تا به‌صورت مروری و کتابخانه‌ای، اکثر جوانب سبب‌شناسی این گرایش بررسی شود و مشخص شود که کدام یک از این دیدگاه‌ها به واقعیت نزدیک‌تر است، آیا این گرایش بیشتر به‌صورت تربیتی شناخته شده است یا سرشتی، تا در نهایت بتوان با این قبیل مراجعان جدای از مباحث کیفری و حقوقی، به‌صورت اخلاق مدارانه و تخصصی در حرفه روانشناسی برخورد کرد و به آنان خدمات روان‌شناختی مفیدی ارائه داد.

یافته‌ها

با توجه به مطالعات مرور شده در خصوص همجنس‌گرایی و سبب‌شناسی و اکتسابی بودن و یا انتسابی بودن، مشخص شد که چندین نظریه مطرح و کارآمد در زمینه سبب‌شناسی در علوم بیولوژیک، روان‌تحلیلی، محیط‌گرایی، اخلاق و خانواده وجود دارد که می‌تواند در بحث روانشناسی این مبحث مورد توجه روانشناسان قرار می‌گیرد. طبق مطالعات علمی روز دنیا، دلیل قطعی و صددرصدی برای به وجود آمدن گرایش به همجنس وجود ندارد. همچنین بین پژوهشگران علوم مختلف از قبیل محیط‌گراها، ژنتیک‌شناسان و اخلاق‌مداران

¹ Friedman

² Bem

³ Atkinson, smith, bem & Hoeksema

Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

اختلاف نظر بسیار زیادی راجع به سبب‌شناسی همجنس‌گرایی وجود دارد (جلی، ۱۳۹۷؛ فیلیکس^۱، ۲۰۱۶؛ شلدون، پففر، جایاراتن، فلدبام، پتی^۲، ۲۰۰۷؛ فریاس ناوارو، بورت، سولر و ریبرا^۳، ۲۰۱۵؛ جانینی، بلانچارد، کیانی، بانکروفت^۴، ۲۰۱۰؛ سالو^۵، ۲۰۲۰). برخی معتقدند که یک ژن قطعی برای ایجاد این گرایش وجود دارد اما آزمایش‌های آنان این موضوع را قطعی نکرده و ژن یگانه‌ای برای آن تاکنون یافت نشده است. با این حال طبق مطالعات، شواهد و آزمایش‌ها، مجموعه‌ای از دلایل (زیستی، هورمونی، ژنی، روانی و اجتماعی) وجود دارد که در همه افراد یکسان نیست و تا به حال در هیچ جای جهان علت قطعی ذکر نشده و برای هر شخص امکان دارد متفاوت با شخص دیگری و یا ترکیبی از چند دلیل باشد (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۱۵؛ جانینی و همکاران، ۲۰۱۰). در گذشته تصور می‌شد همجنس‌گرایی در اثر عوامل روانی مانند محیط خانوادگی نامناسب، تربیت نادرست، تجربیات و ضربه‌های روحی و یا سوءاستفاده‌های جنسی در زمان کودکی ایجاد می‌شود. با این حال مطالعات فراوان طی چندین دهه اخیر نشان داده‌اند که این تصورات هیچ‌گونه پشتوانه علمی نداشته و بر پایه اطلاعات غلط و تبعیض‌آمیز، شکل گرفته‌اند (فرانکوسکی^۶، ۲۰۰۴؛ استرونسکی هاولیر و رمافیدی^۷، ۱۹۹۸؛ انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۱۵). لذا در اینجا ما فقط به آن دسته از دلایلی اشاره می‌کنیم که به‌روزتر، علمی‌تر و پذیرفته‌تر باشند.

۱. فرضیه اثر ترتیب تولد برادران^۸ (نظریه بلانچارد)

نخستین کسی که بحث همبستگی بین همجنس‌گرایی و تعداد برادر بزرگ‌تر را مطرح کرد، بلانچارد^۹ (۱۹۹۲) بود. طی پژوهشی که بر اساس دو و نیم دهه توسط بلانچارد (۲۰۱۸)، انجام گرفت، وی استدلال می‌کند که تولد برادران بزرگ‌تر به‌طور وسیعی بر روی گرایش جنسی همجنس‌گرایانه در مردان، تأثیر می‌گذارد. مطالعه وی روی ۳۰ گروه همجنس‌گرا و ۳۰ گروه غیر همجنس‌گرا بود که شامل ۷۱۴۰ همجنس‌گرا و ۱۲۸۳۷ غیر همجنس‌گرا می‌شد. کسانی که به این فراتحلیل کمک کردند، خواهر و برادرانی بودند که از کانادا، شمال و جنوب برزیل، ایران و ساموآ آمده بودند. آن‌ها در یک دوره ۱۵۰ ساله، از سال ۱۸۶۱ متولد شده بودند. برخی از آن‌ها مراجعان روان‌پزشکان و روان‌شناسان بالینی بودند، برخی از آن‌ها مجرمان جنسی، برخی از آن‌ها به‌صورت داوطلبانه و همچنین برخی از آن‌ها در دوران کودکی و برخی در دوران بزرگسالی مورد بررسی قرار گرفتند.

طبق فرضیه ایمن‌سازی مادرزادی^{۱۰} که توسط بلانچارد (۱۹۹۶)، ارائه شد، اثر ترتیب تولد برادران منعکس‌کننده ایمن‌سازی پیش‌رونده برخی مادران به آنتی‌ژن‌های مخصوص مردانه است. طبق این فرضیه مادر بعد از هر زایمان جنین مرد، یک نوع پادتن ضد مردانه تولید می‌کند؛ بدین‌صورت که اگر مادر، جنین پسری در رحم داشته باشد، بر روی سلول‌های مغزی جنین پسر، یک سری از مواد خاص وجود دارند که به بدن مادر وارد می‌شوند، در اینجا سیستم ایمنی مادر این مواد را به‌عنوان مواد خارجی تشخیص می‌دهد و برای آن پادتن تولید می‌کند. هنگامی که مادر برای مرتبه بعدی، جنین پسری باردار شود این پادتن که در بدن تولید شده بود، از طریق جفت به مغز جنین وارد می‌شود و الگوی مردانه رشد مغزی جنین را تغییر می‌دهد و باعث کاهش تناسب گرایش جنسی در فرد می‌شود (بلانچارد، ۲۰۱۸). لذا بلانچارد به این مطلب اشاره می‌کند که تولد برادران بزرگ‌تر به‌طور وسیعی بر روی گرایش جنسی همجنس‌گرایانه در مردان، تأثیر می‌گذارد.

اگرچه در این فرضیه شواهد قوی وجود دارد که اثر ترتیب تولد برادران به ایجاد گرایش همجنس‌گرایی در مردان کمک می‌کند و آزمایش‌های علمی وی نیز این نکته را تا حدودی تأیید می‌کنند، اما دلایل متعددی هم وجود دارد که اثر ترتیب تولد برادران نمی‌تواند توضیح کلی و جامع سبب‌شناسی همجنس‌گرایی باشد (گاوریلتس، فربیرگ و رایس^{۱۱}، ۲۰۱۸).

¹ Felix

² Sheldon, Pfeffer, Jayaratne, Feldbaum, & Petty

³ Frias-Navarro, Bort, Soler & Ribera

⁴ Jannini, Blanchard, Ciani, & Bancroft

⁵ Salu

⁶ Frankowski

⁷ Stronski Huwiler & Remafedi

⁸ Fraternal Birth order effect

⁹ Blanchard

¹⁰ Maternal Immunization Hypothesis

¹¹ Gavrilts, Friberg & Rice

این فرضیه فقط یک نسبت کوچک همجنس‌گرایی را توجیه می‌کند. از تجزیه و تحلیل داده‌های بلانچارد (۲۰۰۲)، نتیجه گرفته شد که این فرضیه می‌تواند به‌طور کلی هر یک نفر از هفت نفر افراد همجنس‌گرا را توجیه کند. استفاده از نمونه‌ها و روش‌های مختلف توسط بلانچارد (۲۰۰۴)، کمی بالاتر از دفعه قبل یعنی هر ۲ نفر از ۷ نفر را برآورد کرد. لذا هر دوی این برآوردها مقدار درصد کمی را توجیه می‌کند و اینکه همجنس‌گرایی را در مردانی که برادران بزرگ‌تری ندارند را توجیه نمی‌کند، مگر اینکه مادرانشان قبلاً تجربه سقط جنین مرد را داشته باشند. همچنین این فرضیه نمی‌تواند همجنس‌گرایی را در زنان توجیه کند. ارتباط بین زنان همجنس‌گرا و تعداد برادر بزرگ‌تر به‌خوبی تعداد خواهر بزرگ‌تر، بارها و بارها مورد آزمایش قرار گرفته است اما ارتباطی بین آن‌ها هرگز یافت نشد (گاوریلتس و همکاران، ۲۰۱۸).

علاوه بر این، این فرضیه با هماهنگی بین دوقلوها در تضاد است زیرا در جنین دوقلوهایی که هم‌ژن‌هایشان و هم شرایط محیطی‌شان مشترک است، این فرضیه توجیه قابل توجهی ندارد؛ یعنی احتمال اینکه اگر یکی از دوقلوها همجنس‌گرا باشد دیگری هم مسلماً همجنس‌گرا خواهد شد در هر دو جنس کم است؛ حدود ۲۰ درصد در دوقلوهای یک‌تخمکی و با درصد کمتری در دوقلوهای دو تخمکی این فرضیه قابل توجیه است (گاوریلتس و همکاران، ۲۰۱۸).

این فرضیه یک سری پیش‌بینی‌های مختلفی را بیان می‌کند که تا به حال به‌وسیله داده‌ها آزمایش نشده‌اند، اما به نظر می‌رسد غیرقابل انکار است. به‌طور خاص این فرضیه‌ها پیش‌بینی می‌کند که بیشترین تعداد همجنس‌گرایان در خانواده‌های مذهبی‌اند (چون تعداد فرزندان بیشتری دارند)، بیشترین تعداد همجنس‌گرایان در خانواده‌های سنتی غیرغربی هستند جایی که خانواده‌ها پرجمعیت هستند، بیشترین تعداد همجنس‌گرایان در بخش‌های جمعیتی مشخص که جمعیت بیشتری متولد می‌شوند هستند (انفجار جمعیت) و به‌طور کلی تعداد همجنس‌گرایان در طول سال‌های اخیر کاهش یافته زیرا شاهد کاهش جمعیت در اندازه خانواده‌ها هستیم (گاوریلتس و همکاران، ۲۰۱۸).

۲. نوروبیولوژیک (جمعی از پژوهشگران)

در خصوص علم ژنتیک‌شناسی، هورمون‌شناسی و ساختار آناتومی مغز پژوهشگران این عرصه نظرات خود را مبنی بر وجود ژن‌های بخصوص در ایجاد گرایش جنسی همجنس‌گرایی ارائه می‌دهند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. با این وجود آنچه لازم است به آن اشاره شود این است که مباحث مربوط به بیولوژیکی نیز به‌طور قطع نمی‌تواند سبب‌شناسی همجنس‌گرایی را تبیین کند، حتی در پاره‌ای از موارد که احتمال وجود عوامل ژنتیکی خیلی بالا باشد، باز هم چگونگی تأثیر این ژن‌ها و مکانیسم آن‌ها برای ایجاد گرایش جنسی معلوم نیست (آنتونی، بوگارت، ماروینا و اسکروسکا، ۲۰۲۰)، اما طرفداران زیادی را به خود اختصاص داده است.

الف) نوروبیولوژیک در حیوان

رفتاری جنسی توسط عمل هورمون‌ها در ناحیه هیپوتالاموس و پیش‌اپتیک^۱ در جوندگان و پستاندارانی مثل موش و خرگوش تعیین می‌شود. این بحث تا حد زیادی مستقل از جنس ژنتیکی حیوان است و تحت کنترل هورمونی است که در طول زندگی جنین و یا بلافاصله پس از زایمان در تعامل با هورمون‌هایی که توسط بیضه و تخمدان در بزرگسالی ترشح می‌شوند، رخ می‌دهد (بالتازارت، ۲۰۱۲). استروئیدهای جنسی جنین اندازه‌چندین ساختار مغز را تغییر می‌دهند از جمله، هسته دوشکلی جنسی^۲ که نمی‌تواند در بزرگسالی توسط هورمون‌ها تغییر شکل پیدا کند، چراکه پس از هورمون‌درمانی و دست‌کاری این هورمون در حیوانات جوان که در حال رشد هستند، گرایش جنسی جدیدی که پدید آمد جز ویژگی‌های پایدار شخصیتی آن حیوان قرار گرفت. لذا گرایش به همجنس توسط تزریق استروئید در حیوانات در حال رشد قابل دست‌کاری است اما در بزرگسالان رشد یافته چنین امری امکان‌پذیر نیست (بالتازارت، ۲۰۱۲).

رفتارهای همجنس‌گرایانه در ۱۵۰۰ گونه جانوری یافت شده است (بگ میپل^۳، ۱۹۹۹). برخی حیواناتی که این رفتار را دارند عبارت‌اند از؛ مگس، پنگوئن، گوسفند، کرکس، موش و کبوتر (موستانسکی و همکاران^۴، ۲۰۰۵). تنها مورد شدید خودبه‌خودی همجنس‌گرایی در

¹ Anthony, Bogaerta, Malvina & Skorska

² Preoptic

³ Balthazart

⁴ Sexually Dimorphic Nucleus- Preoptic Area

⁵ Bagemihl

⁶ Mustanski

Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

حیوانات، در گوسفند یافت می‌شود. گوسفندان نر همجنس‌گرا دارای یک هسته دوشکلی جنسی از منطقه پیش اپتیک در مغز هستند که هم‌اندازه با هسته در مغز گوسفندان ماده غیرهمجنس‌گرا است. اندازه این هسته تحت تأثیر فعالیت تستوسترون در طول زندگی جنین است (بالتازارت، ۲۰۱۲).

گروهی از پژوهشگران چینی نیز موفق شدند که با دست‌کاری و حذف ژنی که با رفتارهای تولیدمثلی مرتبط بوده است، گرایش جنسی موش‌های ماده را تغییر دهند، به طوری که موش‌های ماده از آن پس به همجنس خود علاقه نشان دادند و موش‌های نر را پس می‌زدند (پارک، چوی، لی، لیم و پارک^۱، ۲۰۱۰).

ب) نورویولوژیک در انسان

باوجود اینکه انتظار می‌رود به خاطر پیچیدگی نوع بشر، اختلاف بیشتری در این خصوص با حیوانات داشته باشد، اما تا حدودی این مسئله مشابه است و استروئیدهای جنسی و گیرنده‌های آن‌ها در مغز انسان مشابه همان مکانیسم حیوانات عمل می‌کنند. چنانچه می‌توان در انسان تمام اثرات جنینی استروئیدهای جنسی بر ساختار دستگاه تناسلی که در حیوانات شناسایی شده‌اند را پیدا کرد (بالتازارت، ۲۰۱۲). در این نگاه، همجنس‌گرایی یک اختلاف گرایش جنسی نیست بلکه همراه با تغییرات پیچیده فیزیکی، عملکردی و رفتاری است. بنابراین همجنس‌گرایی نه تنها بر جنبه خاصی از رفتار جنسی تأثیر می‌گذارد بلکه بر ویژگی‌های مختلف جنسیتی (مذکر و مؤنث) که جدای از مسائل جنسی است، نیز تأثیر می‌گذارد. همجنس‌گرایی یک تغییر پیچیده است که اغلب در جهت ویژگی‌های چندگانه جنس متضاد خود کشیده می‌شود (مرد در جهت ویژگی‌های زن و بالعکس). این ویژگی‌ها شامل متغیرهایی است که احتمالاً می‌توانند تحت تأثیر همجنس‌گرایی قرار بگیرد، نظیر پاسخ به آزمون‌های شناختی، جسمانی (نسبت طول انگشتان دست) و یا عملکردی (ترشحات گوش داخلی) (بالتازارت، ۲۰۱۲).

هامر^۲ (۱۹۹۳) بیان داشت که ژن همجنس‌گرایی وجود دارد و پژوهشگران دیگر نیز بیان کردند که ترتیب چینش ژنوم مادر می‌تواند بر گرایش جنسی اثر بگذارد (بوکلند، هوروس، ویلین، هامر، ساندویسی^۳، ۲۰۰۶). موستانسکی و همکاران (۲۰۰۵) ساختار ۴۶۵ مرد را از ۱۴۶ خانواده که دارای ۲ برادر همجنس‌گرا بودند، مورد بررسی قرار دادند و مشخص شد که یک دسته الگوهای همسان ژنتیکی در بین این مردان روی کروموزوم ۷ و ۸ و ۱۰ وجود دارد که این الگوی مشترک در ۶۰ درصد مردان همجنس‌گرای مورد مطالعه وجود داشت. یک اختلاف فیزیکی ساختار مغزی، اختلاف در اندازه هسته دوشکلی جنسی است. این منطقه در مردان غیرهمجنس‌گرا بزرگ‌تر از زنان است و در مردان همجنس‌گرا هم‌اندازه زنان است. مکانیسمی که رشد این هسته را در انسان کنترل می‌کند ناشناخته است اما به نظر می‌رسد به وضعیت هورمون‌ها در بزرگسالی بستگی ندارد. در موش و گوسفند، اندازه این هسته به‌طور تغییرناپذیری توسط استروئیدهای جنسی جنین تعیین می‌شود و ضایعه‌ای در آن قسمت در موش‌های نر بالغ، گرایش جنسی‌شان را تغییر می‌دهد (بالتازارت، ۲۰۱۲). همچنین بررسی‌های ساختار مغز نشان داده است که برخی نقاط مغز در مردان همجنس‌گرا مشابه زنان دگرجنس‌گرا و در زنان همجنس‌گرا مشابه مردان دگرجنس‌گرا بوده است (رحمان و ویلسون، ۲۰۰۳). نتایج تحقیقات لوی^۴ (۱۹۹۱)، نشان داده است که هسته بینابینی سوم هیپوتالاموس^۵ در مردان همجنس‌گرا به نحو معناداری از مردان و زنان دگرجنس‌گرا کوچک‌تر است و این بررسی در پژوهش بعدی وی نیز مشهود بود (لوی، ۱۹۹۶). پژوهشی نیز در رابطه با جذابیت بوی بدن نشان داد که مردان همجنس‌گرا-دگرجنس‌گرا بوهای متفاوتی را از نظر جنسی برانگیزاننده تلقی می‌کنند، که این مطالعه نشان می‌دهد عوامل مختلفی در جذابیت جنسی نسبت به همجنس و جنس مخالف درگیر است (ساویک، برگلند و لینداستورم^۶، ۲۰۰۵). لذا ممکن است همجنس‌گرایی به دلیل مکانیسم‌های مغز نیز ایجاد شود و مغز انسان مسئول گرایش جنسی او باشد اما چون اکثر آزمایش‌ها و بررسی‌ها بر روی حیوانات انجام شده است لذا در مورد تعمیم آن به انسان باید احتیاط کرد (سالو، ۲۰۲۰).

تغییرات در گرایش جنسی تا حدودی نیز بسته به عملکرد سیستم غدد درون‌ریز در طول زندگی جنین است. بنابراین هورمون‌های جنینی نقش مهمی در تعیین ویژگی‌های رفتار جنسی دارند (بالتازارت، ۲۰۱۲). مطالعات گسترده‌ای که درباره گرایش‌های جنسی دوقلوها

¹ park,Choi, Lee, Lim & Park

² Hamer

³ Bocklandt, Horvath, Vilain, Hamer & Sandovici

⁴ LeVay

⁵ INAH-3

⁶ Savic , Berglund & Lindström

انجام گرفته به وضوح نشان دهنده یک مشارکت ژنتیکی (اما نه جبرگرایی مطلق) از گرایش جنسی است به طوری که اگر یکی از دوقلوها همجنس‌گرا باشد، احتمال این که آن قل دیگر نیز همجنس‌گرا شود بسیار بالاست. طبق آماری که ویتام^۱ (۱۹۹۳) ارائه می‌دهد چیزی حدود ۶۵ درصد در دوقلوهای تک‌تخمکی و ۲۹ درصد در دوقلوهای دو تخمکی امکان دارد که هر دو قل همجنس‌گرا شوند.

گویا سهم ژنتیکی در همجنس‌گرایان مرد از طریق مادر به ارث برده می‌شود، چراکه یک منطقه از کروموزوم X شناسایی شده است که تغییرات آن به طور قابل توجهی با گرایش جنسی ارتباط دارد. این ارتباط چندین بار به صورت جداگانه شناسایی شده است اما تا به حال یک یا چند ژن که منحصراً مرتبط باشد با همجنس‌گرایی شناسایی نشده است. سهم ژنتیک در جهت‌گیری گرایش جنسی به احتمال زیاد چندگانه و چندبعدی است و بنابراین شناسایی آن بسیار دشوار است (بالتازارت، ۲۰۱۲؛ موستانسکی، ۲۰۰۵؛ ساندرس^۲ و همکاران، ۲۰۱۷).

همچنین میزان شیوع همجنس‌گرایی در خویشاوندان مادری مردان همجنس‌گرا بیشتر از خویشاوندان پدری است، بدین معنا که ژنی بر روی کروموزوم X وجود دارد که مرد لزوماً آن را از مادرش به ارث می‌برد (کامپیرو، کورنا و کاپیلوبی^۳، ۲۰۰۴). از طرفی دخترانی که در دوران جنینی در معرض آندروژن زیاد بوده‌اند، پیش از سن بلوغ معمولاً پرخاشگرند و در پسرهایی که در رحم در معرض مقادیر فراوان هورمون‌های زنانه بوده‌اند، نسبت به سایر پسرها قاطعیت، پرخاشگری و روحیه ورزشکاری کمتری دارند (سادوک، ۲۰۱۵).

بالتازارت بیان داشت که نمی‌شود هیچ‌گونه حمایتی از سبب‌شناسی همجنس‌گرایی اعم از روانکاو، روانشناسی و جامعه‌شناسی کرد. وی معتقد است تجربیات جنسی و اجتماعی در دوران کودکی و بزرگسالی تأثیر کم یا هیچ‌گونه تأثیری در رشد همجنس‌گرایی ندارد. چراکه فرزندان که توسط زوج‌های همجنس‌گرا بزرگ می‌شوند هیچ احتمال بیشتری برای گرایش به همجنس‌گرایی نسبت به فرزندان که در خانواده‌های غیر همجنس‌گرا رشد می‌کنند، ندارند. فقدان پدر نیز هیچ تأثیری بر وقوع همجنس‌گرایی برای مردان ندارد، در واقع فراوانی همجنس‌گرایی در تمام جوامع انسانی مشابه است (بالتازارت، ۲۰۱۲).

حتی با در نظر گرفتن محدودیت‌های توصیف‌شده به نظر می‌رسد که ایجاد توازن بین عوامل بیولوژیکی و فرهنگی می‌تواند مفید باشد. همجنس‌گرایی در حیوان و انسان نتیجه تعامل عوامل جنینی هورمونی و ژنتیکی است و شاید جزئی از تجربیات اجتماعی و جنسی پس از زایمان باشد؛ بنابراین انواع مختلفی از همجنس‌گرایی می‌تواند وجود داشته باشد که برخی از آن‌ها منشأ ژنتیکی و برخی منبع هورمونی دارند. در نهایت تمام عوامل بیولوژیکی که شرح داده شد زمینه را برای تبدیل شدن به همجنس‌گرایی ایجاد می‌کنند و این عوامل تنها می‌تواند در یک مجموعه خاص از بافت‌های روانی - اجتماعی که هنوز مشخص نشده‌اند، توسعه یابند (بالتازارت، ۲۰۱۲).

پژوهشگران زیادی نشان داده‌اند که آناتومی بدن همجنس‌گرایان، میزان جذابیت صدای افراد، جذابیت در بوی بدن طرف مقابل، همچنین هورمون‌ها و ایمن‌شناسی و برخی از ژن‌های آنان با دگرجنس‌گرایان تفاوت دارد. اما به طور کلی تمام این موارد در همه همجنس‌گرایان صدق نمی‌کند و نمی‌توان به طور یقین استنباط کرد که تمام همجنس‌گرایان در این زمینه مشترک هستند (جانینی و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارتینز^۴ و همکاران، ۲۰۰۵؛ لالومیر، بلانچارد و زاگر^۵، ۲۰۰۰؛ موستانسکی، بایلی و کاسپر^۶، ۲۰۰۲؛ لیپا، ۲۰۰۳؛ رحمان و همکاران، ۲۰۰۳؛ سوآب^۷، ۲۰۰۴؛ دیپوتی و بواهر^۸، ۲۰۱۰؛ سالو، ۲۰۲۰).

بحث گرایش جنسی و جبرگرایی آن پیچیده است، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که به طور پیش‌فرض اعتقاد بر این باشد که وضعیت این اشخاص متفاوت از ویژگی‌های دیگر فیزیکی-کاربردی مانند قد و یا رنگ مو در این اشخاص است. درست همان‌طور که یک نفر انتخاب نمی‌کند که دست راست یا دست چپ باشد و یا رنگ چشم و رنگ موی خود را انتخاب نمی‌کند، گرایش جنسی خود را نیز نمی‌تواند انتخاب کند. همجنس‌گرایان لزوماً فاسد یا هرزه نیستند (حداقل نه بیشتر از افراد غیر همجنس‌گرا)، آن‌ها خطرناک نیستند (همجنس‌گرایی مسری نیست) و آن‌ها معمولاً به طور کلی مسئول شرایطشان نیستند (بالتازارت، ۲۰۱۲). اما به نظر می‌رسد تاکنون پژوهش‌ها به این‌که مکانیسم‌های بیولوژیکی چه نقشی در کمک به رشد جهت‌گیری جنسی مردان و زنان دارند، جوابی نداده‌اند (آنتونی و همکاران، ۲۰۲۰).

¹ Whitam

² Sanders

³ Camperio-Ciani, Corna & Capi-luppi

⁴ Martins

⁵ Lalumiere, Blanchard & Zucker

⁶ Mustanski, Bailey & Kaspar

⁷ Swaab

⁸ Deputy & Boehmer

Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

۳. روان‌تحلیلی (نظریه فروید)

عوامل مؤثر در رفتار همجنس‌گرایی روشن نیست. فروید^۱ همجنس‌گرایی را وقفه رشد روانی جنسی تلقی می‌کرد و به ترس‌های اختگی و ترس از تسلط مادر در مرحله پیش ادیپی رشد روانی جنسی اشاره می‌کرد. بر طبق نظریه‌های روان‌پویشی، موقعیت‌های اوایل زندگی که ممکن است سبب رفتار همجنس‌گرایی در مردان شوند عبارت‌اند از: وابستگی عاطفی شدید به مادر، فقدان نقش پدری مؤثر، مهار رشد مردانگی از سوی والدین، تثبیت یا پس‌رفت در مرحله خودشیفتگی رشد و باخت در رقابت با برادران و خواهران. فروید معتقد بود همجنس‌گرایی در زنان به دلیل فقدان انحلال غبطه آلتی^۲ به همراه تعارضات اودیپال حل‌نشده به وجود می‌آید (سادوک، ۲۰۱۵).

فروید (۱۹۵۱) همجنس‌گرایی را یک بیماری روانی تلقی نمی‌کرد. در سه رساله در زمینه نظریه تمایلات جنسی، فروید نوشت که «همجنس‌گرایی در افرادی مشاهده می‌شود که انحراف جدی دیگری از بهنجاری ندارند، کارایی آن‌ها مختل نشده است و در واقع رشد هوشی و فرهنگ اخلاقی بالایی دارند». وی در «نامه‌ای به یک مادر آمریکایی» چنین نوشت «مطمئناً همجنس‌گرایی مزیتی ندارد اما چیزی نیست که مایه شرم باشد. نه فساد است نه انحطاط و نمی‌توان آن را بیماری شمرد، ما آن را نوعی اعمال جنسی تلقی می‌کنیم که در اثر وقفه خاصی در رشد جنسی ایجاد می‌شود» (به نقل از سادوک، ۲۰۱۵).

فرمول‌بندی روان‌پویشی جدید که با نظریه روانکاوی کلاسیک در تضاد است بر این مبنا است که مردان همجنس‌گرا، خیال‌پردازی‌هایی مربوط به همجنس را شرح داده‌اند که در سنین ۳ تا ۵ سالگی روی داده است و این تقریباً همان سنی است که افراد غیر همجنس‌گرا خیال‌پردازی‌هایی در مورد جنس مقابل دارند. در مردان همجنس‌گرا تخیلات شهوانی مربوط به هم‌جنس دور محور پدر یا جانشین او دور می‌زند (سادوک، ۲۰۱۵).

ادراک کودک از این احساسات شهوانی و رویارویی او با آن‌ها ممکن است سبب رفتارهای غیرمعمولی نظیر تودراتر بودن نسبت به بچه‌های دیگر، میل به تنهایی و هیجان‌پذیری افراطی شود. برخی صفات «زنانه» نیز ممکن است بر اثر همانندسازی با مادر یا جانشین مادر ایجاد شود. چنین خصوصیتی معمولاً به‌عنوان راهی برای جلب توجه و محبت پدر (مشابه رفتار پسر بچه غیر همجنس‌گرا در تقلید از پدر برای جلب توجه مادر) پدیدار می‌آید. عوامل روان‌پویشی همجنس‌گرایی در زنان ممکن است مشابه باشد. دختر بچه، وابستگی عاطفی اولیه خود به مادر به‌عنوان ابژه محبوب را از دست نمی‌دهد و جستجوی آن را در بزرگسالی ادامه می‌دهد (سادوک، ۲۰۱۵).

۴. محیط‌گرایان (نظریه آشکوم)

این دسته از دانشمندان، اعتقاد دارند که فاکتورهای محیطی (از قبیل مورد تجاوز واقع شدن در کودکی، رشد در خانواده‌های همجنس‌گرا، تروما، آموزش و تربیت، رسانه‌ها)، بیشترین آمار را در سبب‌شناسی همجنس‌گرایی دارد و برخی از آمارها تا ۶۰٪ بیان شده است (آشکوم^۳، ۲۰۱۰). یکی از دلایل این افراد این است که اگر قرار بود ژنتیک عامل همجنس‌گرایی باشد، پس باید در دوقلوهای همسان، اگر یک قل همجنس‌گرا باشد قل دیگری نیز ۱۰۰٪ همجنس‌گرا باشد، چون دوقلوهای یکسان دی ان ای مشابه دارند. اما آماری که در واقعیت در مورد دوقلوهای مشابه وجود دارد حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد است؛ یعنی ۳۰ تا ۵۰ درصد اگر یک قل همجنس‌گرا باشد قل دیگری امکان همجنس‌گرا بودنش وجود دارد (آشکوم، ۲۰۱۰). از طرفی دیگر ۱۶ تا ۵۷ درصد پسران و ۳۳ تا ۵۷ درصد دخترانی که در خانواده‌هایی با زوج‌های همجنس‌گرا رشد می‌کنند، در صورتی که پدر مادرهای اصلی آنان دگرجنس‌گرا بوده‌اند، همجنس‌گرا می‌شوند و این یک عامل قوی برای سبب‌شناسی محیطی است (آشکوم، ۲۰۱۰).

۵. اخلاق‌مداران و طرفداران نظام خانوادگی دگرجنس‌گرا (نیکولوسی و اسپریچ)

طرفداران این دسته، اعتقاد دارند که چون خداوند انسان را خلق کرده است و بیان داشته که باید سبک زندگی نرمالی داشته باشیم و رفتارهای همجنس‌گرایانه در تمام ادیان مورد تقبیح واقع شده است، لذا حتی اگر مبنای ژنتیکی داشته باشد و یا محیطی، نباید رفتارهای همجنس‌گرایانه انجام داد، زیرا خداوند انسان را آزاد و مختار آفریده و این در اختیار فرد است که همجنس‌گرا باقی بماند یا دگرجنس‌گرا. همانطور که در سال ۲۰۰۴ ژنی مخصوص الکلیسم بودن کشف شد (CREB) و در سال ۲۰۱۳ دانشمندان متوجه شدند که (GABRB1)

¹ Freud

² Penis envy

³ Schumm

باعث الکلی شدن بیشتر در انسان می‌شود (آنستی^۱ و همکاران، ۲۰۱۳)، از طرفی دیگر، ژن‌هایی برای پرخاشگری، عصبانیت و دزدی و دروغ نیز کشف شده است، اما همه این‌ها مجوزی نخواهد بود برای اینکه ما الکل مصرف کنیم و یا دزدی کنیم. بنابراین با این وجود اگر زمانی ژن خاصی برای همجنس‌گرایی یافت شود، مجوزی برای همجنس‌گرایی نیست و خداوند فرموده همواره سبک زندگی دگرجنس‌گرایانه‌ای که برای ما تعریف کرده است را برگزینیم (نیکولوسی ۲۰۱۲، اسپریج، ۲۰۱۱ الف و ۲۰۱۱ ب).

طرفداران نظام خانوادگی دگرجنس‌گرایی و منتقدین رواج همجنس‌گرایی در اجتماع که عمدتاً محققان را تشکیل می‌دهند نیز اعتقاد دارند که وجود رابطه و ازدواج بین همجنس‌گرایان، بنیان خانواده‌ها را سست می‌کند و باعث تشکیل نشدن خانواده به صورت طبیعی می‌شوند، کما اینکه همجنس‌گرایی خود چندین آسیب جدی از جمله آسیب‌های جسمانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر روی خود همجنس‌گرایان می‌گذارد و آمارها نشان داده است که تغییر گرایش جنسی امکان‌پذیر است (اسپریج، ۲۰۱۱ الف و ۲۰۱۱ ب). آنان همچنین اعتقاد دارند که مدافعان همجنس‌گرایی از جمله ساندرس و همکاران (۲۰۱۷)، با وجود تلاش‌ها و آزمایش‌های بسیار، هنوز نتوانسته‌اند ژن خاصی و قطعی برای گرایش جنسی همجنس‌گرایی پیدا کنند. از این رو، نه تنها نمی‌توان گفت گرایش جنسی همجنس‌گرایی انتخابی نیست بلکه باید مانع رواج آن در جامعه شد.

بحث و نتیجه‌گیری

بحث در مورد سرشتی یا تربیتی بودن همجنس‌گرایی اختلاف دیرینه بین دانشمندان است به صورتی که بین تربیت‌گراها (طرفدار عوامل، اکتسابی، محیطی، آموزشی و تروما) و سرشت‌گراها (طرفدار عوامل انتسابی، کروموزومی، ژنتیکی و آناتومی مغز) و اخلاق مداران (طرفدار نظرات الهی و اخلاقی) همیشه این اختلاف نظر بوده است و تا به حال به جمع‌بندی خاصی نرسیده‌اند. اما طبق پژوهش‌های انجام‌گرفته دخالت عوامل ژنتیکی، محیطی و آموزشی بر ایجاد، تثبیت و رفتار در این گرایش مشهود است. در پژوهش جبلی (۱۳۹۷)، جانینی و همکاران (۲۰۱۰) و فیلیکس (۲۰۱۶)، نیز مشخص شد دانشمندان و افراد همجنس‌گرا معتقدند علل متفاوتی برای هر فرد ممکن است وجود داشته باشد. لذا می‌توان به صورت خلاصه بیان کرد که تقریباً دو دیدگاه مهم وجود دارد که نقطه مقابل همدیگر هستند و اکثر منشورهای حقوقی، کفیری و اخلاقی در زمینه همجنس‌گرایی از آن‌ها نشئت می‌گیرد. دیدگاه اول بیشتر بیانگر این امر است که چون مرکز گرایش جنسی را مغز و هیپوتالاموس و ژنتیک بر عهده دارد لذا سبب‌شناسی این گرایش بالینکه هنوز به اثبات نرسیده، بیشترین عوامل آن مربوط به مباحث ژنتیک، ساختار مغز و هورمون‌ها است. به عبارت دیگر، فرد به صورت یک همجنس‌گرا به دنیا می‌آید و چون در انتخاب گرایش جنسی خود دخیل نبوده و انتخاب نکرده لذا به همان گونه که به دنیا آمده است رفتار می‌کند. طرفداران دیدگاه دوم با بیانات علمی و موثق خود بر این عقیده هستند که تاکنون هیچ ژن خاصی برای این گرایش جنسی یافت نشده است و هنوز هیچ منبع علمی به‌طور قطع بیان نکرده است که یک فرد با این گرایش به دنیا می‌آید. از یک سو، اگر ژن همجنس‌گرایی کشف شود، این امر دلیلی بر آزادی فرد در رفتار جنسی نیست چراکه ژن پرخاشگری مشخص است و وجود این ژن دلیلی بر آزادی در پرخاشگری او نیست. از سوی دیگر، هرچند اگر روزی ثابت شود که فرد در انتخاب این گرایش سهمی نداشته است اما این دلیل نمی‌شود که فرد مختار نیست بلکه فرد آزاد است که بر مبنای این گرایش عمل بکند یا نکند؛ هرچند که کنترل آن دشوار باشد. لذا اگر هم انتخابی نباشد، اختیاری است و باید هنجارهای جامعه خود را رعایت نماید.

منابع

- اتکینسون، ر.، اتکینسون، ر.، اسمیت، ا.، بم، د و هوکسما، س. ن. (۱۳۸۳). زمینه روانشناسی. ترجمه براهینی و دیگران. جلد اول، تهران، رشد.
جبلی، س. ج. (۱۳۹۷). ابعاد هویت در مردان جوان با گرایش به همجنس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران.
سروانی زنجانی، ع. ا و رفیع نژاد، ع. (۱۳۹۶). بررسی جرم همجنس‌گرایی در حقوق کفیری ایران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی.
منصور، ج. (۱۳۹۸). قانون مجازات اسلامی، تهران، دیدار.
میرمحمدی صادقی، ح. (۱۳۹۸). جرائم علیه اشخاص. تهران، میزان.

¹ Anstee

Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

- American Psychological Association. (2015). Guidelines for psychological practice with transgender and gender nonconforming people. *American Psychologist*, 70(9), 832-864.
- Anstee, Q. M, Knapp, S, Maguire, E. P, Hosie, A. M, Thomas, P, Mortensen, M, & Ruparelia, K. (2013). Mutations in the *Gabrb1* gene promote alcohol consumption through increased tonic inhibition. *Nature communications*, 4, 2816.
- Bagemihl, B. (1999). *Biological exuberance: Animal homosexuality and natural diversity*. Macmillan.
- Balthazart, J. (2012). *The biology of homosexuality*. Oxford University Press.
- Bem, D. J. (1996). Exotic becomes erotic: A developmental theory of sexual orientation. *Psychological Review*, 103(2), 320-335.
- Blanchard, R. (2018). Fraternal birth order, family size, and male homosexuality: Meta-analysis of studies spanning 25 years. *Archives of Sexual Behavior*. 7(1), 1-15.
- Bocklandt, S., Horvath, S., Vilain, E., & Hamer, D. H. (2006). Extreme skewing of X chromosome inactivation in mothers of homosexual men. *Human Genetics*, 118(6), 691-694.
- Bogaert, A. F, & Hershberger, S. (1999). The relation between sexual orientation and penile size. *Archives of sexual behavior*, 28(3), 213-221.
- Bogaert, A. F. (1998). Physical development and sexual orientation in women: Height, weight, and age of puberty comparisons. *Personality and Individual Differences*, 24(1), 115-121.
- Bogaert, A. F., & Skorska, M. N. (2020). A short review of biological research on the development of sexual orientation. *Hormones and Behavior*, 119, 104659.
- Camperio-Ciani, A., Corna, F., & Capiluppi, C. (2004). Evidence for maternally inherited factors favouring male homosexuality and promoting female fecundity. *Proceedings of the Royal Society of London. Series B: Biological Sciences*, 271(1554), 2217-2221.
- Felix, M. S. (2016). Nature or Nurture? A Qualitative Study of the Source of Homosexuality. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities*, 24(4).
- Frankowski BL. (2004). American Academy of Pediatrics Committee on Adolescence. Sexual orientation and adolescents. *Journal of Pediatrics*, 113 (6), 32-1827.
- Frias-Navarro, D., Monderde-i-Bort, H., Pascual-Soler, M., & Badenes-Ribera, L. (2015). Etiology of homosexuality and attitudes toward same-sex parenting: A randomized study. *The Journal of Sex Research*, 52(2), 151-161.
- Friedman, R. C., & Downey, J. I. (2002). *Sexual orientation and psychodynamic psychotherapy: Sexual science and clinical practice*. Columbia University Press.
- Gavrilets, S., Friberg, U., & Rice, W. R. (2018). Understanding Homosexuality: Moving on from Patterns to Mechanisms. *Archives of sexual behavior*, 47(1), 27-31.
- Haas, AP., Eliason, M., Mays, VM., Mathy, RM., Cochran, SD., D'Augelli, AR., & et al. (2010). Suicide and suicide risk in lesbian, gay, bisexual, and transgender populations: Review and recommendations. *Journal of homosexuality*, 58(1), 10-51.
- Jannini, E. A., Blanchard, R., Camperio-Ciani, A., & Bancroft, J. (2010). Male homosexuality: Nature or culture?. *The journal of sexual medicine*, 7(10), 3245-3253.
- Lalumiere, M. L., Blanchard, R., & Zucker, K. J. (2000). Sexual orientation and handedness in men and women: a meta-analysis. *Psychological bulletin*, 126(4), 575-592.
- Lasco, M. S., Jordan, T. J., Edgar, M. A., Petite, C. K., & Byne, W. (2002). A lack of dimorphism of sex or sexual orientation in the human anterior commissure 1. *Brain Research*, 936(1-2), 95-98.
- LeVay, S. (1996). *Queer science: The use and abuse of research into homosexuality*. MIT press.
- Lewis, N. M. (2009). Mental health in sexual minorities: Recent indicators, trends, and their relationships to place in North America and Europe. *Health & place*, 15(4), 1029-1045.
- Lippa, R. A. (2003). Handedness, sexual orientation, and gender-related personality traits in men and women. *Archives of Sexual Behavior*, 32(2), 103-114.
- Martins, Y., Preti, G., Crabtree, C. R., Runyan, T., Vainius, A. A., & Wysocki, C. J. (2005). Preference for human body odors is influenced by gender and sexual orientation. *Psychological Science*, 16(9), 694-701.
- McDermott, E., Hughes, E., & Rawlings V. (2018). The social determinants of lesbian, gay, bisexual and transgender youth suicidality in England: a mixed methods study. *Journal of Public Health*, 40(3), 244-51.
- Mustanski, B. S., Bailey, J. M., & Kaspar, S. (2002). Dermatoglyphics, handedness, sex, and sexual orientation. *Archives of Sexual Behavior*, 31(1), 113-122.
- Mustanski, B. S., DuPree, M. G., Nievergelt, C. M., Bocklandt, S., Schork, N. J., & Hamer, D. H. (2005). A genomewide scan of male sexual orientation. *Human genetics*, 116(4), 272-278.
- Nicolosi, J., & Nicolosi, LA. (2010). *A parent's guide to preventing homosexuality*: InterVarsity Press.
- Park, D., Choi, D., Lee, J., Lim, D. S., & Park, C. (2010). Male-like sexual behavior of female mouse lacking fucose mutarotase. *BMC genetics*, 11(1), 62.
- Purvis, A. (2017). Discrimination, Coming-Out, and Self-Esteem as Predictors of Depression and Anxiety in the Lesbian Community. Doctoral thesis. Walden University.

- Rahman, Q., Abrahams, S., & Wilson, G. D. (2003a). Sexual-orientation-related differences in verbal fluency. *Neuropsychology*, 17(2), 240-246.
- Rahman, Q., Wilson, G. D., & Abrahams, S. (2003b). Sexual orientation related differences in spatial memory. *Journal of the International Neuropsychological Society*, 9(3), 376-383.
- Rahman, Q., & Wilson, G. D. (2003p). Born gay? The psychobiology of human sexual orientation. *Personality and individual differences*, 34(8), 1337-1382. Hamer, D. H., & Copeland, P. (1994). *The science of desire: The search for the gay gene and the biology of behavior*. Simon & Schuster.
- Rule, N. O., & Ambady, N. (2008). Brief exposures: Male sexual orientation is accurately perceived at 50 ms. *Journal of Experimental Social Psychology*, 44(4), 1100-1105.
- Sadock B, & Ruiz P. (2015). *Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral sciences*: Walters Kluwer.
- Salu, Y. Nature Controls Nurture in the Development of Sexual Orientation, and Voice is Nature Agent. Preprints 2020, 2020030134 (doi: 10.20944/preprints202003.0134.v1).
- Sanders, A. R., Beecham, G. W., Guo, S., Dawood, K., Rieger, G., Badner, J. A., ... & Gejman, P. V. (2017). Genome-wide association study of male sexual orientation. *Scientific reports*, 7(1), 16950.
- Santtila, P., Högbacka, A. L., Jern, P., Johansson, A., Varjonen, M., Witting, K., ... & Sandnabba, N. K. (2009). Testing Miller's theory of alleles preventing androgenization as an evolutionary explanation for the genetic predisposition for male homosexuality. *Evolution and Human Behavior*, 30(1), 58-65.
- Savic, I., Berglund, H., & Lindström, P. (2005). Brain response to putative pheromones in homosexual men. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 102(20), 7356-7361.
- Schumm, W. R. (2010). Children of homosexuals more apt to be homosexuals? A reply to Morrison and to Cameron based on an examination of multiple sources of data. *Journal of biosocial science*, 42(6), 721-742.
- Sheldon, J. P., Pfeffer, C. A., Jayaratne, T. E., Feldbaum, M., & Petty, E. M. (2007). Beliefs about the etiology of homosexuality and about the ramifications of discovering its possible genetic origin. *Journal of Homosexuality*, 52(3-4), 111-150.
- Sprigg, P. (2011a). *Debating Homosexuality: Understanding Two Views*. Family Research Council.
- Sprigg, P. (2011b). The Top Ten Harms of Same-sex Marriage. *Family Research Council*.
- Stronski Huwiler, S. M., & Remafedi, G. (1998). Adolescent homosexuality. *Pediatric*. 45, 107-44.
- Swaab, D. F. (2004). Sexual differentiation of the human brain: relevance for gender identity, transsexualism and sexual orientation. *Gynecological Endocrinology*, 19(6), 301-312.
- Tan, S. A., Tay, W. M., & Neoh, M. E. Y, Wong, HW (2018). The association between perceived discrimination and suicide among homosexuals: The role of self-esteem as mediator. *Makara Human Behavior Studies in Asia*, 22(1), 22-28.
- Van Anders, S. M., & Hampson, E. (2005). Testing the prenatal androgen hypothesis: measuring digit ratios, sexual orientation, and spatial abilities in adults. *Hormones and behavior*, 47(1), 92-98.
- Whitam, F. L., Diamond, M., & Martin, J. (1993). Homosexual orientation in twins: A report on 61 pairs and three triplet sets. *Archives of Sexual Behavior*, 22(3), 187-206.
- Whitbourne, S. K., & Halgin, R. P. (2013). *Abnormal psychology: Clinical perspectives on psychological disorders*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Williams, T. J., Pepitone, M. E., Christensen, S. E., Cooke, B. M., Huberman, A. D., Breedlove, N. J., ... & Breedlove, S. M. (2000). Finger-length ratios and sexual orientation. *Nature*, 404(6777), 455-456.

Homosexuality, nature or nurture? A theoretical overview

